

هشدار درباره انشعاب

امضاکنندگان بیانیه روزنه‌گشایی در پی چه هستند؟



محسن آرمین

نایب‌رئیس جبهه اصلاحات ایران

روز یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲، نایب‌رئیس جبهه اصلاحات ایران در جلسه مجمع عمومی این جبهه، نطقی پیش از دستور داشت. محسن آرمین در این سخنرانی که ۱۵ دقیقه به طول انجامید، صحبت‌هایی در خصوص بیانیه ۱۱۰ امضایی «بیابید روزنه‌گشایی کنیم» و بعضی اختلاف‌نظرها میان اصلاح‌طلبان مطرح کرد که متن کامل آن در پی می‌آید:

اعباد شعبانیه به‌خصوص عید پیش روی نیمه شعبان را که برای ما شیعیان نماد عدالت‌خواهی و عدالت‌جویی است را تبریک عرض می‌کنم. اگر عدالت همان مفهوم «اعطاء کل ذي حق حقه» (حق هر صاحب حقی را به او دادن و مراعات شایستگی‌ها را کردن) منسوب به امیرالمومنین امام علی (ع) است، انتخاب شدن و انتخاب شدن یک حق است و نه آن گونه که در رسانه‌های رسمی تبلیغ می‌شود یک وظیفه دینی و ملاک دوزخی یا بهشتی بودن بندگان خدا. مصادف بودن انتخابات پیش رو با عید نیمه‌شعبان می‌تواند بسیار معنی‌دار باشد تا ببینیم مدعیان اسلام شیعی تا چه اندازه به این کانونی‌ترین باور شیعه التزام دارند. این ایام در محافل سیاسی و رسانه‌های خبری سخن از حرکتی است که تحت عنوان روزنه‌گشایی از سوی برخی دوستان ما صورت گرفته است. در جلسه‌ای که من و دکتر شکوری حضور داشتیم، این بحث مطرح شد. گفتیم برداشت ما این است که این حرکت، حرکتی است که در صورت تداوم در پایان به انشعاب ختم می‌شود. این برداشت به کام دکتر جلالی‌پور پدر خوش‌نیماد. ایشان برآشفندند و بحثی داغ در آن جلسه درگرفت. بعد آقای جلالی‌پور پسر، در فایلی صوتی با خطاب آقای دکتر که احتمالاً منظورشان من و آقای شکوری هستیم، انتقاد کردند که چرا ما مسئله آغاز انشعاب را مطرح کردیم و ما و اکثریت جبهه اصلاحات را متهم به سانسور الیزم اقتدارگرزا و عدم احترام به آزادی بیان کردند. گفتند آنچه منتشر شده یک تحلیل است و درباره مبانی تئوریک و علمی این تحلیل به مبالغه سخن گفتند. به جبهه اصلاحات توصیه کردند که وجود دوفرآکسیون اقلیت و اکثریت را به اکثریت بشناسند. همچنین بیان کردند که طی نامه‌ای به آقای خاتمی پیشنهاد دادند که خوب است هر دو نگاه زیر چتر رهبری ایشان به رسمیت شناخته شود.

بهرغم اینکه آن بحث در یک جلسه خصوصی در گرفته و اگر پاسخ و نقدی نیز وجود داشت باید به صورت خصوصی مطرح می‌شد، این فایل صوتی همزمان برای افراد زیادی فرستاده شد. بنده همچنان قصد پاسخ ندارم. تمایلی هم برای ورود به این موضوع نداشتم، چراکه فکری نمی‌کنم این انتخابات می‌گذرد و جامعه قضاوت خود را خواهد کرد. اما با توجه به بداخلاقی‌ها و سوءاستفاده‌هایی که از این حرکت می‌شود و ممکن است واکنش‌های ناخواسته‌ای را از سوی برخی دوستان ما در پی داشته باشد، تصمیم گرفتم نظر خود را با شما در میان بگذارم. مسئله اصلی چیست؟ محافل رسانه‌ای وابسته به حاکمیت افراطی تلاش دارند القا کنند که اختلاف میان اقلیت و اکثریت در جبهه اصلاحات یک اختلاف بنیادین و تئوریک است. متأسفانه برخی از دوستان اقلیت و ژورنالیست‌های طرفدار آنان نیز به نام اصلاحات به این شائبه دامن می‌زنند. از کودتا در جبهه سخن می‌گویند. انتخاب هیئت رئیسه جدید را به کودتای درون سازمان مجاهدین خلق تشبیه می‌کنند. سامانه تصمیم‌گیری‌های درون جبهه را مصداق سانسورالیزم اقتدارگرا می‌خوانند و... به گمان من اختلاف موجود اگر چه مهم است اما بنیادین نیست. هر دو طرف در اینکه صندوق رای و نهاد انتخابات در کانون پروژه اصلاح‌طلبی قرار دارد، مشترک هستند. هر دو طرف، باراندازان مرزبندی دارند و معتقدند هر تلاشی برای اصلاح و تحول باید در نهایت به صندوق رای منتهی شود. پس اختلاف چیست؟ به نظر من اختلاف در تحلیل شرایط موجود و انتخابات پیش رو است. به قول دوستان، اختلاف مصداقی است و نه مفهومی. در مبانی اصلاح‌طلبی اختلافی نیست، در مصادیق و اینکه در قبال انتخابات روبرو چه موضعی اتخاذ شود، اختلاف وجود دارد. اختلاف حتی در تلاش برای روزنه‌گشایی هم نیست؛ چراکه اصلاح‌طلبان در طول سال‌های گذشته همین مشی و روش را دنبال کردند. شرکت ما در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ و ۹۶ و حمایت از کاندیدایی که اصلاح‌طلب نبود، یا شرکت در انتخابات مجلس ۹۴ که به خاطر نداشتن کاندیدای اختصاصی برای پیدا کردن کاندیدا فراخوان عمومی می‌دادیم تلاش برای روزنه‌گشایی بود. بنابراین در اصل این رویکرد اختلاف‌نظری وجود ندارد.

اختلاف‌نظر این است که آیا در انتخابات ۱۱ اسفند روزنه‌گشایی ممکن است یا ممتنع. دوستان اقلیت معتقدند که در شرایط کنونی باید کنش‌گری مرزی کرد و دوستان اقلیت معتقدند که شرکت در این انتخابات نه کنش‌گری مرزی، بلکه کنش‌گری بدون مرز است. چراکه فضا چنان بسته و جامعه چنان معترض و خشمگین است که شرکت در انتخابات به هیچ نتیجه‌ای که متضمن خیر عمومی باشد، ختم نخواهد شد. دوستان موافق شرکت در انتخابات می‌گویند که در شرایط فعلی باید میانه‌روی کرد و وسط‌باز بود و دوستان مخالف می‌گویند که وسط‌بازی یا میانه‌روی تفاوت دارد. اعتدال و میانه‌روی امری نسبی و براساخته سیاسی و اجتماعی است. شرایط واقعا موجود و افکار عمومی که علی‌القاعده یکی از مهم‌ترین مبانی تصمیم‌گیری‌های سیاسی است، تعیین می‌کند که چه حرکتی میانه‌روی و چه حرکتی وسط‌بازی است. دوستان موافق معتقدند ما باید با شرکت در انتخابات ۱۱ اسفند، زمینه را برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۴ فراهم کنیم و کاری نکنیم که حاکمیت فرصت انتخابات ۱۴۰۴ را از ما بگیرد. دوستان مخالف معتقدند که عدم شرکت در انتخابات به معنای قهر یا صندوق رای و عدم شرکت در

انتخابات دیگر نیست. کما اینکه ما در گذشته نیز در انتخابات مجلس هفتم شرکت نکردیم، اما در انتخابات مجلس هشتم و ریاست‌جمهوری دهم حضور فعال داشتیم. من انکار نمی‌کنم که ممکن است در میان جمعیت اکثریت، کسانی باشند که اعتقاد به عدم شرکت در هر انتخاباتی در آینده داشته باشند و شرکت در انتخابات را منوط به تغییرات بنیادین در نظام بدانند. متقابلاً در تفکر مقابل هم کسانی وجود دارند که خواهان شرکت در هر انتخاباتی و در هر شرایطی هستند. ملاک ما برای قضاوت نمی‌تواند وجود این دیدگاه‌ها در دو طرف باشد. از سوی دیگر شرکت مؤثر در انتخابات ۱۴۰۴ منوط به وجود پشتوانه قوی اجتماعی است. شرکت بی‌نتیجه یا به شدت کم‌اثر ما در این انتخابات در شرایطی که جامعه با انتخابات قهر است، بی‌اعتمادی جامعه به اصلاح‌طلبان را تشدید و در جامعه مستأصل، معترض و عصبانی ایجاد نوعی بی‌پناهی می‌کند، به بائس و سر خوردگی یا رشد گرایش‌های رادیکال دامن می‌زند و در نتیجه شانس حضور مؤثر در انتخابات ۱۴۰۴ را از ما خواهد گرفت. دستیابی به نتایجی بسیار خرد و ناچیز در ازای چنین هزینه سنگینی، عاقلانه نیست. لذا ضمن اینکه حاکمیت یک واقعیت است و باید با آن تعامل کرد و نه تقابل، اما نگاه اصلی ما باید به جامعه باشد. اصلاح‌طلبان که همواره مورد بی‌مهری حاکمیت بوده‌اند، سرمایه‌ای به جز جامعه ندارند و نباید با تصمیم‌گیری غلط و خطا این سرمایه را از دست بدهند. ملاحظه می‌کنید که اختلاف یک مصادیق و موردی است و نه اختلاف در اصل خط‌مشی اصلاح‌طلبانه.

پس مشکل چیست؟ به نظر من مشکل دو چیز است؛ اول اینکه دوستان اقلیت می‌کشوند این اختلاف موردی را اختلاف در اصول و مبانی تبلیغ و ترویج کنند. می‌کشند برای آن تئوری پردازی کرده و حرکت خود را به نظریه کنش‌گری در شرایط نظم دسترسی محدود داگلاس نورث مستند کنند. در حالی که تطبیق این نظریه، بیان یک رویکرد عام و ناظر به کنش‌گری سیاسی عام در برابر حکومت‌های اقتدارگراست و استناد به آن برای تصمیم‌گیری برای یک اتفاق خاص با شرایط ویژه می‌تواند یک مغالطه باشد. محدود کردن نظریه کنش‌گری در شرایط نظم دسترسی محدود به انتخابات و استنتاج از آن برای شرکت در هر انتخاباتی و تحت هر شرایطی به گمان من یک مغالطه آشکار است که گمان نمی‌کنم روح هر مرحوم نورث هم با آن موافق باشد. بر این اساس فکر می‌کنم آن دوستان جوان تحصیل کرده‌ای که می‌کشوند چنین بنمایند که دوستان اکثریت از نظریات علمی جدیدی خبرند، آثار جدید را خوانده‌اند و ما هستیم که بر جدیدترین نظریات تسلط داریم، گرفتار نوعی غرور عملی شده‌اند. این گونه میناسازی‌ها و نظریه‌پردازی‌های وهم‌لود برای اثبات مبانی بودن اختلاف، نتیجه و فرجامی جز انشعاب ندارد. زیرا وقتی شما معتقد باشید که اختلافات مبانی و گفت‌وگوهایی درون جبهه‌ای برای حل این اختلاف بی‌نتیجه بوده و یا تهیه بیانیه و جمع‌آوری امضا اختلاف را به سطح جامعه کشانید و کوشیدید تا نه از طریق مباحثات درونی بلکه با استفاده از اهرم‌های فشار حاکمیت و جامعه با طرف مقابل برخورد کنید، عملاً مسیر انشعاب را برگزیده‌اید. این مسئله انقدر روشن است که نیازی به استدلال و برهان ندارد. بنا بر همین دلیل معتقدم که این حرکت دانسته یا ندانسته، آغاز مسیر انشعاب است. البته انشعاب گناهی نباشد و دینی و در ذات خود امری مذموم نیست. مافکران و هم‌راهان سیاسی تضمینی به یکدیگر ندادند که با پدید آمدن مسائل جدید و تغییر شرایط همچنان هم‌نظر باشند. به همین سبب انشعاب پدیده‌ای رایج در عرصه کنش‌گری سیاسی و حزبی است. هر جمعی حق دارد برای تحقق دیدگاه‌ها و نظرات خود حزب و تشکل تأسیس کند. اشکال در تلاش متعده‌انه برای تعمیق اختلافات و دادن رنگ و صیغه‌نظری و تئوریک به این اختلافات است. اشکال دوم بی‌اخلاقی‌هایی است که در این مسیر رخ می‌دهد. متهم کردن جبهه‌ای که هیئت‌رئیس آن با رای اکثریت و برای مدت محدود انتخاب می‌شوند و تقریباً همه اعضای آن براساس رای جمعی در کمیته‌های مختلف فعالیت دارند، جبهه‌ای که تصمیم به عدم ارائه لیست انتخاباتی در آن رای نزدیک به سه چهارم اعضا اتخاذ شده و فقط چندرای مخالف داشته و بیانیه‌های آن ابتدار در گروه به نظرخواهی گذاشته می‌شود و پس از اعمال نظرات در حق مقدور معمولاً رای اکثریت قاطع تصویب و منتشر می‌شود، به سانسورالیزم اقتدارگرا یا کودتای مجاهدین خلقی و متأثر بودن از رویه‌های مارکسیستی و استالینیستی به نظر من یک بداخلاقی آشکار است. به کار بردن ادعاه و بی‌محابی اصطلاحاتی مثل سانسورالیزم اقتدارگرا علیه جبهه که در دانش سیاسی تعریفی روشن دارد، مغایر با اخلاق و تقوای سیاسی است. اشکال در فضاسازی‌های دروغینی مانند انعکاس این بیانیه - که به صراحت مغایر با نظر خاتمی است - با تیتیر همگام با خاتمی است. دوستان من؛ اگر این شیوه‌ها می‌توانست به جلب مخاطب بینجامد، صداسیمای ما وضعیت تر حمر انگیز امروز را نداشت.

در میان اصلاح‌طلبان گرایش‌های مختلفی وجود دارد. وجود دست‌کم دوفرآکسیون اقلیت و اکثریت در جبهه واقعیتی انکارناپذیر است. اما مهم بر خورد ما با این واقعیت است. وجود دو یا چند فرآکسیون در تشکل‌های سیاسی امری متعارف است. مهم این است که همه خود را به مواضعی که پس از تبادل نظر اتخاذ می‌شود، متعهد بدانند و ضابطه دموکراتیک تصمیم‌گیری براساس رای اکثریت را بپذیرند. جبهه اصلاحات در گذشته نیز این دودگانی گرایش را در خود داشت اما هر دو فرآکسیون منطق را جبهه‌ای را پذیرفته و ملتزم بودند که اختلافات را به همین شیوه مدیریت کنند. این انتخابات می‌گذرد اما اصلاحات نشان داده به‌رغم تمام تلاش‌ها و طراحی‌های شبانه‌روزی، ماندنی است. این هیئت‌رئیس هم مانند هیئت‌رئیس قبل عمری موقت دارد. بنابراین بهتر است کنار هم به آینده چشم‌بدوزیم و یکوشیم باسعه‌صدر، در عین داشتن اختلافات با یکدیگر تعاملی منطقی داشته باشیم و تقویت جبهه اصلاحات را که می‌تواند در تقدیر تاریخی جامعه ایران نقش مهمی ایفا کند، بر دیدگاه‌های خود مقدم بدانیم.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲



فریدون صدیقی در غرفه هم‌میهن

۱۵ هزار نفر تایید صلاحیت شدند

اظهارات رئیس ستاد انتخابات کشور در نمایشگاه مطبوعات

پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن



روز گذشته غرفه هم‌میهن در بیست‌و‌چهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران میزبان فریدون صدیقی، استاد روزنامه‌نگاری، سیدجعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران و شهاب طباطبایی، دبیرکل حزب ندای ایرانیان بود. نشست‌های مختلفی نیز برگزار شد که مهم‌ترین نشست خبری نیز شاید با حضور محمدتقی شاهچراغی، رئیس ستاد انتخابات کشور و معاون سیاسی وزارت کشور برگزار شد. چراکه او اولین آمارهای انتخاباتی را ارائه و اعلام کرد که وزارت کشور براساس ۴ راهبرد مقام رهبری مبنی بر «سلامت، امنیت، مشارکت و رقابت» اقدامات خود را پیش خواهد برد.

▼ برخورد با تخلفات انتخاباتی

محمدتقی شاهچراغی، رئیس ستاد انتخابات کشور درباره آمار واجدین شرایط رای، تأکید کرد: «۶۱ میلیون و ۱۷۲ هزار و ۲۹۸ نفر واجد شرایط داریم. محاسبه آن نیز تا ۱۱ اسفندماه است. آقایان ۳۰ میلیون و ۹۴۵ هزار و ۱۳۳ نفر و خانم‌ها ۳۰ میلیون و ۲۲۷ هزار و ۱۶۵ نفر هستند. از سوی دیگر ۱۲۱۸ حوزه انتخابی اصلی و فرعی داریم. تا آخر وقت به آمار تاییدشدگان اضافه می‌شود. حدود ۱۵ هزار نفر تاکنون تایید صلاحیت شدند که ۱۲ درصد خانم‌ها و ۸۸ درصد آقایان هستند. خبرگان رهبری نیز ۱۴۴ نفر شورای نگهبان تایید شده نهایی اعلام کرده است.»

او درباره رای‌گیری الکترونیکی نیز اعلام کرد: «از مجموع این ۱۲۱۸ حوزه انتخابی در حوزه آبدان، ملایر، قم، رشت و خم‌ام‌رای‌گیری به صورت الکترونیکی انجام می‌شود.» شاهچراغی با بیان اینکه آخرین وضعیت شعب در ۳۱ استان کشور حدود ۵۹ هزار شعبه پیش‌بینی شده است، افزود: «۴۴ هزار شعبه ثابت و ۱۵ هزار شعبه به صورت سیار است. سیارها در مراکز

گروه خبر: رئیس قوه قضائیه در نشست شورایعالی این قوه که روز گذشته برگزار شد، خبر شناسایی و بازگشت اموال بایک زنجانی را اعلام کرد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای در نشست شورایعالی قوه قضائیه خبر داد که در نتیجه تلاش‌های بخش‌های مختلف، اموال بایک زنجانی در خارج از کشور شناسایی و به تهران منتقل شد و بنابر کارشناسی‌های اولیه صورت گرفته، این اموال، کفاف بدهی‌ها و خسارت‌های او را خواهد داد.

▼ یک پرونده بزرگ

پرونده بایک زنجانی، پس از اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی، بزرگترین پرونده فسادی بود که تا آن زمان مطرح می‌شد. خود او اما حاشیه کمی نداشت. زمانی بسیار بر سر زبان‌ها افتاده بود و تصاویرش با موتورهای گرانقیمت، هواپیمای شخصی و اسلحه، در اینترنت دست به دست می‌چرخید. در آن روزها اگر از خیابان ایران‌زمین شهرک غرب تهران رد می‌شدید، تابلوهایی با عنوان «سوریت» که همان تشکیلات بایک زنجانی بود را می‌دیدید. هُلدینگ سوریت بایک زنجانی از طریق شرکت سوریت‌فیلم، وارد سینما هم شد. اما از سال ۱۳۹۲، بایک زنجانی دیگر یک میلیارد عاشق معروفیت نبود؛ یک عنوان مفسد اقتصادی کنار اسمش قرار گرفت. اودرگیر پرونده فساد مالی بزرگی شد که گفته می‌شود ریشه آن در به کارگیری‌اش برای توزیع ارز در بازار در ابتدای کارش، دور زدن تحریم‌ها و فروش نفت بوده است. حالا پس از ۱۰ سال زندانی بودن زنجانی، صدور یک حکم اعدام برای او و تلاش‌هایی برای یافتن اموالش در کشورهای خارجی، رئیس دستگاه قضا خبر داد که اموال جدید کشف شده از بایک زنجانی، برای پرداخت بدهی‌های او کافی است.

▼ خبر مهم رئیس دستگاه قضا

محسنی‌اژه‌ای درباره کشف اموال جدید بایک زنجانی

صنعتی، بیمارستان‌ها و... هستند. از این ۵۵ هزار شعبه ۳۵ هزار شعبه شهری و ۲۴ هزار شعبه روستایی داریم.» او درباره آخرین وضعیت جابه‌جایی حوزه انتخابی داوطلبان نیز تأکید کرد: «تاکنون شورای نگهبان با جابه‌جایی ۴۹۱ نفر از کاندیداها موافقت کرده است. قانون جدید براساس بررسی‌های انجام‌شده نسبت به وضعیت انتخابات گذشته و درخواست مردم است. مانند عدالت انتخاباتی که ویژگی قانون جدید است. امکانات داوطلبان با هم متفاوت است و در قانون جدید دولت می‌تواند از امکانات خود که در هیئت‌های نظارت تبلیغات استانی شکل گرفته، استفاده کند. مدارس و فضاهای عمومی احصا و دسته‌بندی شده است. صداسیما نیز ۲۰۰ شبکه محلی دارد. از سوی دیگر وزارت ارتباطات با پیام‌رسان‌های داخلی هماهنگ کرده تا با تخفیف مناسب خدمات ارائه شود و تمام ظرفیت‌های دولت و بخش خصوصی که قابلیت استفاده توسط داوطلبان را دارد در اختیارشان قرار گیرد.»

او به هزینه‌های نامزدهای انتخاباتی نیز اشاره کرده و افزود: «هرمدی گفتند ریخت و پاش زیادی اتفاق می‌افتد. برابر قانون جدید قرار شد سامانه شفافیت مالی توسط وزارت کشور ایجاد شود. هر هزینه‌ای که داوطلبان می‌کنند در این سامانه با گزاری می‌شود. تعرفه‌ها چاپ‌وبه‌ایستگاه ارسال شده است. آموزش مردم برابر قانون جدید توسط رسانه‌ها و به صورت میدانی باید انجام شود.»

رئیس ستاد انتخابات کشور درباره شفاف‌سازی در تبلیغات، بیان کرد: «قانون فقط برای یک کارت بانکی داوطلبان تعریف نشده بلکه موضوعات را دقیق پیش‌بینی کرده است. هیچ داوطلبی نمی‌تواند پشتیبان خارجی داشته باشد و پشتیبانی‌ها باید از داخل کشور باشد. نقدی و غیرنقدی هزینه‌ها باید در سامانه ثبت شود. اگر کسی اقدام نکرد طی مراحل تکلیف مشخص شده است و بخشی از آن جرم‌انگاری شده است. اگر گزارشی اثبات شود هزینه‌های صورت گرفته و داوطلب با اختیار ثبت نکرده به مراجع قضایی می‌رود و از دو دوره ورود به کاندیداتوری منع می‌شود.» شاهچراغی درباره احتمال ردصلاحیت داوطلبان در دوره انتخابات، تأکید کرد: «این موضوع در حیطه وظایف شورای نگهبان است. تبلیغات رسمی از سوم اسفند شروع می‌شود. اگر ستاد انتخاباتی استان‌ها به نتیجه برسد اقدام داوطلبی خارج از قانون بوده، به او تذکر داده و اگر ادامه یافت، پرونده به هیئت نظارت ارسال می‌شود.»

گزارش دو

اموال زنجانی به تهران رسید

رئیس قوه قضائیه: اموال کشف شده بایک زنجانی، کفاف بدهی‌ها را می‌دهد

گفت: «این محموله از اموال شناسایی شده بایک زنجانی در خارج از کشور که به تهران منتقل شده بنابر کارشناسی‌های اولیه، تکافوی بدهی‌ها و خسارات نامبرده خواهد بود؛ حالا اگر بازگشت اموال قبلی را هم افزون کنیم، اضافه می‌آید. البته من تأکید کرده‌ام که باز هم کارشناسی در این خصوص صورت بگیرد. از جمله پرونده‌های نسبتاً جنجالی و مهم‌مادر یک دهه اخیر، پرونده بایک زنجانی بود؛ در سال ۱۳۹۱ ابتدا گزارشی واصل شد که نامبرده مقدار معتدله‌ای ارز از بانک مرکزی دریافت کرده و به مقداری که باید مابه‌ازای این ارز را می‌رسانده، نرسانده و غیر از آن، میزانی از آن ارز را در بازار آزاد به فروش رسانده است؛ همچنین در یک بخش دیگر نیز نفت دریافت کرده بود که باید مابه‌ازای آن را برمی‌گرداند، اما از این کار استکفاف کرده است. علی‌ایحال، پرونده مزبور در مجتمع اقتصادی تشکیل شد و سروصدای زیادی هم به پا کرد چراکه مبلغ مورد ادعا، سنگین و بالا بود و جاداشت آن سروصدا ایجاد شود. در همان زمان گزارشی از «وزارت نفت» و مرجعی دیگر واصل شد و تقاضای ممنوع‌الخروجی زنجانی مطرح شد. سپس، اعلام شد که متهم ادعا کرده که اموال را برمی‌گرداند؛ فلذا اموالی را در داخل کشور معرفی کرد که البته آن اموال هم با کارشناسی مواجه شد از جمله زمین واقع در منطقه ایران‌زمین در شهرک غرب تهران، با بررسی‌های صورت گرفته معلوم شد که در همان زمین نیز تخلفاتی صورت گرفته است.»

رئیس قوه قضائیه ادامه داد: «با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که افرادی از وزارت نفت، ثبت و خود آن طرف و برخی واسطه‌ها در خصوص مصالحه و نقل و انتقال اموال، باز تخلفات و اقدامات مجرمانه‌ای انجام داده‌اند؛ فلذا یک پرونده دیگر هم در این راستا تشکیل شد. علی‌ایحال، پرونده مزبور سنگین شد و در

